

رفتارهاي وحدت گرايانه در آموزه‌هاي قرآن کریم با تأکید بر عبادات جمعي

رفتارهاي وحدت گرايانه در آموزه‌هاي قرآن کریم با تأکید بر عبادات جمعي

سیده منوره شاسته خوي

مدیر مدرسه علمیه نرجس-3 مشهد

چکیده

موضوع مقاله رفتارهاي وحدت‌گرايانه در آموزه‌هاي قرآن کریم است. شروع استعمار نوین و طرح جدید تقسیم کشورهای اسلامی از سوی غرب و مصادره بیداری‌هاي اسلامی و ادامه اشغال فلسطین و تهاجم فرهنگی و هزاران مشکلي که از سوی حاکمان استکبار جهاني و کفر بر جوامع اسلامی پیش آمده، ضرورت حیاتي وحدت مسلمین را نشان می‌دهد و راهکارها زمینہ‌هايی برای این کار باید اندیشید که بحمدالله قرآن کریم آموزه‌هاي کاربردی و سازنده‌اي در این زمینه دارد. لذا بر آن شدیم که این موضوع را مورد پژوهش قرار دهیم.

وحدت به معنای یکی شدن و یکپارچگی در اعتصام به حبل الله و احساس اخوت دینی مسلمانان جهان است و عملکردی که به وحدت بیانجامد رفتاری وحدت‌گرايانه خوانده می‌شود. قرآن کریم بر وحدت اسلامی تأکید بسیار دارد و بدین منظور چگونگی وحدت را به مسلمانان آموزش می‌دهد. بخشی از این آموزه‌ها مربوط

به فرهنگ رفتاری است که باید در هر سه جانب ارتباط با خدا، خود و جامعه نمودار گردد؛ مانند دعاها، تعمیم دعای خیر چون: درخواست آمرزش، دفع بلا و... دلی پاک از کینه و عداوت، و نیز عبادات جمعی چون: نماز جماعت، جمعه، اعیاد، عبادات همزمان چون حج و روزه رمضان، و رفتار با خود که همان تهذیب نفس در دو جانب: پرهیز از رذایل اخلاقی^[1] ای که باعث قطع روابط اجتماعی می^[2]گردد؛ چون: حسادت، بدگمانی، استهزاء، غیبت، خیانت، پیمان^[3] شکنی، بخل... و در مقابل آراستگی به کمالات اخلاقی^[4] ای که پیوندهای اجتماعی را تقویت می^[5]کند مانند: خیرخواهی، حسن ظن، مهرورزی، صداقت، امانت^[6] داری، وفای به عهد و رفتارهایی که در جامعه منتهی به وحدت می^[7]شوند عبارتند از: تعاون، نظارت اجتماعی، عدالت اجتماعی، پرهیز از نزاع و درگیری، رسیدگی به نیازمندان، پیشگیری از جنگ و دشمنی، اطاعت از رهبری، موضع مشترک و قاطع در برابر دشمن، صلح میان اقوام درگیر، پیوند برادری و... .

مقاله حاضر که در موضوع خود بدیع است تلاش دارد با روش توصیفی و تحلیلی ضمن تأکید بر قرآن و بهره^[8] مندی از تفاسیر و منابع حدیثی رفتارهای وحدت^[9] گرایانه را برشمرد و با نگاه به چالش^[10] های فراروی وحدت جوامع کنونی مسلمان، سعی بر کاربردی کردن موضوع دارد.

واژگان کلیدی: وحدت اسلامی، رفتار وحدت گرایانه، قرآن کریم، عبادت، اخلاق اجتماعی، روابط اجتماعی

مقدمه

وحدت اسم مصدر از ریشه (وحد) است. (وحدَ یحدُّ وحدَه) تک و تنها شدن و در باب افتعال (اتحاد)، اتحدت الاشیاء: یکی شدن چند چیز است؛ وحدت در اصطلاح سیاسی به معنای یکی شدن دو یا چند دولت در جوانب گوناگون نظام سیاسی، اقتصادی و... است.^[1] وحدت انسان^[2] ها در قرآن کریم به معنای اشتراک مردم در نوع انسان و یکی شدن همه یا گروهی از مردم در اعتقادات حق یا باطل یا ساخت فطری و بدون اعتقاد است و در نه آیه از «امت واحده» سخن به میان آمده است؛ که بنا بر تفسیر مجمع البیان و... دو آیه منظور از امت واحده دین اسلام است؛ یعنی دینی که همه پیامبران بر پذیرش آن وحدت نظری داشته^[3] اند؛ «انَّ هذِهِ اُمَّتُكُمْ اُمَّةً وَاحِدَةً وَاَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون» همانا این دین شما دینی واحد است و من پروردگارتان هستم پس مرا بپرستید.^[2] و در آیه دیگر «فَاتَّقُون»^[3] آمده است.^[4]

وحدت پیامبران بر اعتقادات توحیدی اسلام به عنوان برترین الگوی اعتقادی راستین و حق است که ضروری

است همه مردم جهان آن را بپذیرند تا اعتقاد توحیدی، عبادت خدا و پرهیزگاری جهانی شود و این اشتراکات اعتقادی مبنای اخوت و برادری آنان گردد چرا که قرآن کریم اصحاب پیامبر را به مهر ورزی با یکدیگر توصیف می‌کند و مؤمنان را برادر می‌شمارد. اما تا رسیدن به این آرمان که مطابق اعتقادات اسلامی در زمان ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) محقق می‌شود باید زمینه آن فراهم گردد و راهکارهای ایجاد وحدت اسلامی باید تقویت و عملی گردند که از جمله آن‌ها، پاسداری از اعتقادات مشترک مسلمانان جهان و ایجاد اخوت و مودت میان آنان با استفاده از آموزه‌های وحدت‌گرایانه قرآن کریم است.

بدون شك مسلمانان علی‌رغم تفاوت‌های مذهبی (فرقه‌ای) اجتماعی، فرهنگی بومی، سیاسی، نژادی، زبان، خط و ... اما همه در اصول اعتقادی: توحید، نبوت و معاد و ضرورت‌های دینی در جوانب عبادی، اخلاقی و اجتماعی مانند نماز، روزه ماه رمضان، حج بیت‌الله، زکات، امر به معروف و نهی از منکر، اخلاق فردی و اجتماعی اسلامی به خصوص حجاب و عفت، وفای به عهد، تعاون و ... مشترکند.

اما متأسفانه در عصر حاضر مسلمانان تحت تأثیر عوامل گوناگونی چون تهاجم فرهنگی و سیاسی غرب، تعصبات فرقه‌ای و انحرافات فکری از این اشتراکات غافل مانده‌اند و با پررنگ کردن تفاوت‌ها، دچار پراکندگی و چند دستگی شده‌اند. این در حالی است که قرآن کریم با روش‌های گوناگونی بر رفتارهای وحدت‌گرایانه تأکید می‌کند. در مقاله حاضر این شیوه‌ها در سه حوزه ارتباط با خدا، خود و جامعه به تصویر کشیده شده‌اند.

الف- نقش ارتباط با خدا در وحدت

پیوند با حضرت دوست هدف زندگی انسان است و بدون آن زندگی بی‌معنا و چراگاه شیطان می‌گردد، چرا که این ارتباط هدف آفرینش همه انسان‌هاست. چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «و ما خلقت الجنّ الإنس الا ليعبدون» [5] عبادت در قالب اعمال متنوعی چون دعا و مناجات، ذکر، تلاوت قرآن، نماز، روزه، حج و عمره، اعتکاف، قربانی و خلاصه هر عملی که مشروط به نیت تقرب به خدا باشد، انجام گیرد و از این میان عبادت جمعی تأثیرگذارترند.

الف) ارتباط با خدا

عبادات چه واجب و چه مستحب عمل مشترك همه مسلمین است و از این جهت عامل وحدت آن‌ها به شمار می‌آید؛ اما اگر به صورت جمعی یا در محل مشترك و ویژه گردهمایی مسلمین انجام شود وحدت آنان را عملی می‌سازد. (امام خمینی(ره) درباره تأثیر وحدت آفرین عبادات جمعی فرمودند: «جهت سیاسی زیادی در اجتماعات و جماعات و جمعاعات و خصوصاً اجتماع گرانبهای حج می‌باشد».[6] عبادات جمعی مورد تأکید و توجه قرآن کریم و سنت معصومین(علیهم السلام) بوده است که برای نمونه آیاتی را نقل می‌کنیم.

نمازهای جماعت

1-1- نماز جماعت یومیه

نماز عبادتی همیشگی و با ماهیتی جمعی است حتی اگر فرادا خوانده شود؛ چرا که نمازگزار رو به قبله مشترك می‌کند و بر اصول اعتقادی مشترك تأکید می‌کند و با تلاوت سوره فاتحه که بخش واجب هر نماز است همه مومنان را مورد توجه قرار می‌دهد و همبستگی خود را در استقامت بر صراط مستقیم و برائت از ضالین و مغضوبین (یهود و نصاری) اعلام می‌دارد و با سلام آخر محبت خود را به آنان ابراز می‌دارد.

اما اگر به جماعت و به خصوص در مسجد خوانده شود ماهیت جمعی آن از قوه به فعل و از نظری به عملی تحول می‌یابد.

نماز جماعت فرمان خدا به پیروان ادیان توحیدی است که به مریم بنت عمران فرمود: «یا مریم اقدتی لربک و اسجدی و ارکعی مع الرّاکعین»[7] خداوند پس از دعوت بنی اسرائیل به ایمان به قرآن، فرمان می‌دهد تا در نماز جماعت شرکت کنند: «و أقیموا الصّلوّه و آتوا الزّکوّه و ارکعوا مع الرّاکعین»[8] فقهای فریقین هم به استناد آیه اخیر به استحباب نماز جماعت فتوا داده‌اند.[9] امام خمینی(ره) آن را مستحب موکد و از عوامل وحدت به شمار آورده‌اند.[10]

هسته امت اسلامی با نخستین نماز جماعت سه نفره نبی اکرم(ص)، علی بن ابیطالب(علیه السلام) و خدیجه کبری(علیها السلام) شکل گرفت و مخالفت مشرکان با اسلام از همین جا آغاز شد.

نماز جماعت، خود نوعی تمرین بر وحدت قولی و فعلی و پیروی از رهبر واحد است، اعتقاد توحیدی و آوازه اسلام را جهانی می‌سازد و هیچ عذری برای مردم جهان در اعراض از توحید باقی نمی‌گذارد و روحیه تعاون و همیاری در امور نیک را تقویت می‌کند. امام رضا (علیه السلام) با اشاره به این فلسفه فرمودند: «انما جعلت الجماعة لئلا يكون الإخلاص و التوحيد و الاسلام و العباده الا ظاهرا مكشوفاً مشهوراً لأن في اظهاره حجة علي اهل الشرق و الغرب و وحده و ليكون المنافق و المستخف مودياً لما أقربه يظهر الاسلام و المراقبه و ليكون شهادات الناس بالإسلام بعضهم لبعض جائزة ممكنه مع ما فيه من المساعدة علي البر و التقوا و الزجر عن كثير من معاصي الا عزوجل» [11]

در مقابل ترك بدون عذر نماز جماعت و عدم حضور در مسجد به منزله ترك نماز تلقی شده است.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «لا صلوه لمن لا يصلّي في المسجد مع المسلمين الا من عله» [12] و امام صادق (علیه السلام) آن را به منزله خروج از ایمان دانسته‌اند: «من خلع جماعه المسلمين خلع ريقه الايمان من عنقه» [13] از دیدگاه نبی اکرم (ص) تارك مسجد و نماز جماعت حرمتی ندارد مگر به جماعت مومنین باز گردد: «لا غيبه لمن صلي في بيته و رغب عن جماعتنا و من رغب عن جماعه المسلمين وجب علي المسلمين غيبته و سقطت بينهم عدالته و وجب هجرانه و إذا رفع الي امام المسلمين أنذره و حذّره فإن حضر جماعه المسلمين و الا أحرق عليه بيته» [14]

علی رغم فاصله گرفتن اکثر قریب به اتفاق امت اسلام از منابع دانش رسول خدا (ص) و مفسران حقیقی قرآن عترت رسول (ص) که پیامدهای ناخوشایند علمی و تاریخی و مذهبی بسیاری به بار آورده و باعث تفرق مسلمین شده است؛ اما اهل بیت طهارت (ع) همواره شیعیان را از باب تقیه مداراتی یا خوفی به شرکت در نماز جماعت و سایر شرکت‌های اجتماعی فرا می‌خواندند. [15] و چنین نمازگزاری را چون رزمنده در حال آماده باش در صف اول جنگ دانسته‌اند. امام صادق (علیه السلام) به اسحاق بن عمار فرمودند: «صلّ معهم فإنّ المصلّي معهم في الوصف الاول كالشاهر سيفه في سبيل ا» [16]

2-1- نماز جمعه

نماز جمعه که ماهیت و صورتی جمعی دارد، به استناد قرآن واجب است: «يا ايّها الذين آمنوا إذا نودي للصلاه الجمعه فاسعوا الي ذكر ا و ذرو البيع ذلكم خير لكم ان كنتم تعلمون» [17] فقهای فریقین نیز جدای از اختلاف در فروعات آن اجماعاً به استناد آیه فوق و سنت نبوی آن را واجب می‌دانند. [18]

این نماز نظر به وجوب دو خطبه‌ی آن که مشتمل بر انداز و تبشیر [19] و بیان مشکلات جامعه اسلامی و ارائه راه حل‌هاست نقش بارزتری در وحدت دارد.

محتوای خطبه عوامل اعتقادی و اخلاقی وحدت مسلمانان جهان را که توحید، نبوت و تهذیب نفس و تقواست تقویت و زنده نگاه می‌دارد. خطیب پس از حمد و ثنای الهی و درود بر پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت او مردم را با عنوان بندگان خدا خطاب و به تقوا و اطاعت از فرامین او فرا می‌خواند و پس از آن باید به مسائل و مشکلات روز جامعه خود و نیز جهان اسلام بپردازد. امام خمینی (ره) درباره محتوای خطبه‌های نماز جمعه فرمودند: «مردم را به خطبه‌های نماز به وظایف خطیری که دارند آشنا سازید و از توطئه‌های دشمنان اسلام و مملکت آگاه کنید و به اتحاد و وحدت کار دعوت نمایید.» [20]

در زمان ما که استعمار نوین غرب با حمایت از نظریه پردازان ملحد امپریالیسم خود چون برنارد لوئیس اقدام به تسلط جدید خود بر مسلمانان کرده است. اهمیت تحول در خطبه‌های نماز جمعه آشکار شده است چرا که این نظریه پرداز ملحد مسلمانان را مردمی وحشی و بی فرهنگ و غیر قابل تأدیب معرفی کرده و طرح تقسیم خاورمیانه و شمال آفریقا را به چندین کشور یک میلیون نفری ریخته تا غرب بتواند با تسلط بیشتر بر آنان به مسخ فرهنگی شان بپردازد. [21] سیاستمداران جهانخوار غرب با ابزار جنگی و بیانی‌های بین‌المللی خودساخته چون حقوق بشر و با کمک احزاب مسلمان و غیرمسلمان وابسته و رؤسای حکومت‌های دست نشانده اقدام به اجرای آن طرح شوم کرده و با طرق گوناگون چون سرکوب و مصادره بیداری اسلامی کشورها، ترویج دموکراسی، آزادی با تعریف غربی و بر مبنای لائیک و... انتخابات مردمی را در جهت تجزیه کشور خود سوق می‌دهد که اخیراً شاهد تقسیم یک کشور مسلمان بودیم.

ائمه جمعه و جماعات باید با بیدار ساختن مردم و آگاه کردن آنان از اهداف شوم غرب، در جهت ایجاد وحدت مذهبی و سیاسی سوق دهند. این مراسم عبادی باید از طریق رسانه‌ها ترویج و با شرکت هر چه بیشتر مردم با شکوه گردند.

3-1- نماز اعیاد و نقش عید

نماز جمعی دیگر، نماز عید فطر و قربان است که به استناد سنت نبوی (ص) واجب یا مستحب موکد است. در دو خطبه هر نماز طرح موضوعات روز جهان اسلام و ایجاد وحدت ضروری است. این علاوه بر نقش وحدت ساز خود روزهای عید است که در آن‌ها با ذکر تکبیر و حمد و شکر بر اعتقاد توحیدی تأکید می‌شود. قرآن کریم درباره ذکر روز عید فطر می‌فرماید: «و لتکملوا العده ولتکبروا ا علی ما هداکم» [22] درباره

ذکر روز عید قربان نیز می‌فرماید: «كذلك سخرها لكم و لتكبروا اِلى علي ما هداكم» [23] تکبیر مسلمین در این روزها اظهار شادی و رضایت جمعی از خداوند بر هدایت به شریعت اسلام است.

مقام معظم رهبری آیت اِلى خامنه‌اى (ره) درباره نقش اعیاد اسلامی می‌فرماید: «عید اسلامی دو جهت دارد که يك جهت آن توجه به خدا و معنویت و دیگر جهتش، تجمع همه مسلمین حول يك محور واحد است» [24]

وجه دیگر وحدت در این دو عید، وجه تعاون اقتصادی است چرا که در هر دو کمالها و کرامت‌های اقتصادی برای ارتقای زندگی مستمندان و تکریم همگان با پرداخت زکات فطره و توزیع گوشت قربانی وجود دارد؛ چنان که قرآن کریم درباره قربانی می‌فرماید:

«فكلوا منها و أطعموا القانع و المعتر» [25] زکات فطره چه به معنای پاک‌سازی بدن باشد چه به معنای عامل رشد بدن، گرایش به وحدت را تقویت می‌کند؛ زیرا روزه دار پس از يك ماه تحمل گرسنگی و نحیف کردن بدن خود و نیز تمرین حس همدردی با مستمندان در روز عید عامل رشد بدن خود را در نمو بدن فقرا می‌بیند نه با پرخوری بیشتر؛ و در تفسیر دوم روزه دار پس از يك ماه تمرین تقوا و طهارت روح با پرداخت زکات فطره آخرین مرحله پاک‌ی را در احساس مسئولیت نسبت به فقرا می‌جوید.

عبادات همزمان

1- عبادات ماه رمضان

قرآن کریم به سه عامل وحدت در ماه رمضان اشاره دارد: روزه، نزول قرآن و شب قدر. در آیه 185 سوره بقره می‌فرماید: «شهر رمضان الذین انزل فيه القرآن هدي للناس و بینات من الهدی و الفرقان» فمن شهد منكم الشهر فليصمه. و در سوره قدر می‌فرماید: «انا انزلناه في ليله القدر و ما أدرك ما ليله القدر ليله القدر خیر من الف شهر تنزل الملائکه و الروح فيها بإذن ربهم من کل امر سلام هي حتي مطلع الفجر»

روزه ماه رمضان به اجماع فقهای فریقین واجب و ضروری دین است. و فلسفه وجوب آن تقوا و نیز ایجاد احساس گرسنگی مشترک میان فقیر و غنی و در نتیجه انگیزش حس مسئولیت اجتماعی در طبقه غنی است. امام

صادق(عليه السلام) فلسفه مساوات را در روزه چنین می‌فرماید: «انما فرض الّ الصيام ليستوي به الغني و الفقير» [26]

عامل دوم وحدت، قرآن کریم است که به اعتقاد مفسران فریقین نزول دفعی و مجموع قرآن در شب قدر واقع شده است [27] و هیچ مسلمانی شک ندارد که کتاب قرآن منشور هدایت و سعادت همه مردم جهان است. «هدی للناس» قرآن نه تنها خود، عامل وحدت بلکه راهکارها و زمینه‌های ایجاد وحدت اسلامی را ارائه می‌کند. «و بینات من الهدی و الفرقان» قرآن فارق میان دو چیز حق و باطل است. اسلام حق و کفر، باطل است: «ان الدین عند الّ الاسلام و ما اختلف الذین اتوا الكتاب الا من بعد ما جاءهم العلم بغیا بینهم و من یکفر بآیات الّ فان الّ سریع الحساب» [28]

عامل سوم وحدت، شب قدر است. همه مسلمین بر عظمت شب قدر و فرصت استثنایی آن آگاهند و جدای از اختلافات فرعی در تعیین زمان آن بین شب‌های 21 و 23 که اغلب عقیده شیعه بر آن است و نیز شب 27 که به اعتقاد اهل سنت است. [29] در اصل وجود آن اختلافی نیست. البته طبق روایات شیعه زمان دقیق آن، مجهول است تا شب‌های بیشتری از این ماه به تهجد بگذرد و بر اساس روایتی هر شب ماه رمضان احتمال دارد شب قدر باشد و نیز به استناد برخی روایات شیعی، شب 27 و 30 ماه رمضان عظمت شب قدر را دارد. [30]

بنابراین پیروان هر دو فرقه سنی و شیعه می‌توانند به امید نیل به فیض شب قدر هر سه شب 21 و 23 و 27 را به تهجد بگذرانند و مجالس احیا را مشترک برگزار کرده و ادعیه‌ای چون قرآن بر سر گرفتن، مجیر، جوشن کبیر و ... به طور جمعی زمزمه کنند.

رفتارهای وحدت‌گرایانه‌ای که در خطبه شعبانیه نبی اکرم(ص) در خصوص ماه مبارک رمضان بیان شده چون تلاوت قرآن، کمک به مستمندان، تحسین تعاملات اجتماعی، اطعام، نمازهای مستحب و ... همه مورد تأیید فریقین بوده و بحمد الّ روسا و رهبران کشورهای اسلامی در آستانه ماه رمضان از طریق رسانه‌های صدا و سیما آن را برای مردم خود نقل می‌کنند و با این کار تصویر واحدی از این کشورها به جهان منعکس می‌شود.

شبهه تفرقه‌انگیز بودن ثبوت اول ماه

موضوعی که به ظاهر از عوامل تفرقه افکن به شمار آمده شروع و پایان این ماه مبارک است که غالباً کشورهای سنی مذهب یا شیعی در این موضوع هماهنگ نیستند. به این دلیل برخی از طرفداران تقریب مذاهب تلاش در ایجاد این هماهنگی و نیز زمان آغاز ماه‌های حج (به ویژه ذی‌الحجه) کرده‌اند و بسیاری از علما بر این موضوع تأکید دارند. به این دلیل موضوع دقت در استهلال به ویژه در این دو ماه کرده‌اند.

پاسخ به شبهه

در رد این شبهه و نفي ضرورت دقت در استهلال باید گفت: اولاً تفاوت دیدگاه افراد در ثبوت اول ماه منافاتی با وحدت ندارد تا چه رسد به تفاوت دیدگاه کشورها یا جوامع بزرگ؛ زیرا به دلیل عقل اختلاف يك يا دو روز آسیبی به اشتراك 28 یا 27 روزه نمی‌رساند. قرآن کریم نیز ثبوت اول ماه را بر عهده فرد نهاده و اصراری بر استهلال و لزوم ثبوت آن از دیدگاه جمع نکرده است؛ زیرا می‌فرماید: «فمن شهد منكم الشهر فليصمه» هر کس از شما که هلال ماه را دید پس آن ماه را روزه بگیرد. بنابراین نگاه ساده و با چشم غیر مسلح به غرب آسمان کافی است و اگر واقعاً اول ماه باشد هلال غالباً دیده می‌شود.

در خصوص عدم وجوب هماهنگی در ثبوت اول ماه ذی‌الحجه باید گفت مشکل هماهنگی و وحدت زمانی در انجام مناسک حج با فتوای فقیهان شیعه به تقیه مداراتی حل شده است.

در پایان این شبهه دیدگاه مقام معظم رهبری آیت‌الله خامنه‌ای را در تأیید پاسخمان نقل می‌کنیم. ایشان در خصوص عید فطر فرمودند:

«عید اسلامی برای زنده کردن احساس وحدت در بین مسلمانان هاست. شما ملاحظه کنید! امروزه برای بیش از يك میلیارد انسان روز عید است. البته اختلاف افق امروز یا دیروز در تعیین روز اول شوال اهمیتی ندارد. در بعضی کشورها دیروز عید بود و در بعضی کشورها امروز. آیا این مسأله‌ای کوچک و بی‌اهمیتی است که جمع کثیری از يك میلیارد نفر در این روز در مراسم نماز شرکت می‌کنند. نماز واحدی را به سمت قبله واحد، با آداب واحد و با مضمون واحد به جا می‌آورند؟ این موضوع، خیلی عظیم است. [31]

از جمله رفتارهای عبادی وحدت‌گرا، اعتکاف است. از جمله اوامر خدا به بنیان کعبه ابراهیم و اسماعیل(ع) تطهیر بیت برای طائفان نمازگزاران و معتکفان است: «و عهدنا إلی ابراهیم و اسماعیل أن طهّرا بیّتی الطائفین و العاکفین و الرکوع السجود» [32]

به اجماع فقهای فریقین، اعتکاف از مستحبات و در دهه آخر ماه رمضان و به استناد سنت نبوی(ص) تأکید بیشتری دارد. اعتکاف به معنای لبث و ماندن درازمدت برای عبادت است. [33] که دارای دو رکن است: 1- ماندن در مسجد جامع یا جماعت. 2- روزه گرفتن [34]

و از نظر زمان لبث از حداقل یک لحظه تا یک شبانه روز، به اجماع فقهای فریقین است. [35] بدیهی است که ماندن یک لحظه بر خلاف تعریف لغوی و مشهور فقهاست.

این عمل عبادی اگر چه فردی و بدون زمان خاص است اما با سازماندهی و برنامه‌ریزی و تبعیت از سنت نبوی(ص) قابل تبدیل به صورت جمعی است. بحمدالله در جمهوری اسلامی ایران بیش از بیست سال است که مورد توجه مسئولان فرهنگی و اقبال رقابت‌آمیز عموم مردم به خصوص جوانان تحصیل کرده اعم از دانش‌آموزان و دانشجویان و طلاب حوزه‌های علمیه قرار گرفته است. این شاخص تا حدی پیش رفته که ظرفیت مساجد جامع کشور جوابگوی داوطلبان نیست و فقها را به دقت و تفقه بیشتر در ادله شرایط اعتکاف وادار کرده است. توسعه فتاوی در باب اعتکاف و آمارهای مسئولان فرهنگی و اجتماعی بهترین شاهد بر مدعاست. علت این اقبال، تأثیر این عمل عبادی در همگرایی و الفت قلوب، افزایش بصیرت و بالا بردن سطح معارف دینی، احساس عمیق تقرب به خدا، تهذیب اخلاق و سبکی و رشد روح، آرامش روانی سالم نه از نوع عرفان‌های کاذب و ... بیان شده است. [36] که این آثار جوانب وحدت‌گرای این عمل عبادی عرفانی را ثابت می‌کند.

مهم‌ترین اثر وحدت‌گرا و در واقع حقیقت‌گرا، کمال انقطاع الی الله [37] با بریدن هرگونه تعلق از امور دنیوی (لذت بطن تا حد ممکن، لذت فرج (به طور مطلق)، معاملات، تفاخر و مراء، و اقبال تام به حضرت حق در مدت لبث است. این امر رکن وحدت اسلامی یعنی اعتقاد توحیدی را مستحکم و به تبع آن معاملات اجتماعی و اخوت را تعدیل و توسعه می‌بخشد و به دلیل اشتراک بعضی احکام اعتکاف، حج و عمره، معتکفان را برای مناسک حج و عمره آماده می‌کند تا در آنجا وحدت جهانی مسلمین را به تصویر بکشد.

حج قصد زیارت خانه خدا، کعبه مکرمه است که وحدت فیزیکی و معنوی مسلمانان جهان اسلام را به تصویر می‌کشد. به اجماع فقهای فریقین حج از ضروریات بلکه از ارکان دین اسلام به شمار می‌آید. [38]

این اجماع به استناد نص قرآن «و علی الناس حج البيت من استطاع الیه سبیلاً» [39] است. این عمل عبادی که مجموعه‌ای از مناسک است در طی چند روز معین و در سال یک مرتبه با حضور مسلمانان از سراسر عالم و از هر فرقه و مذهبی انجام می‌گیرد. فرصتی استثنایی برای تجربه وحدت جهان اسلام و آگاهی از مشکلات امت اسلامی و چاره اندیشی برای حل آن‌هاست. قرآن کریم حج را فرصتی برای دستیابی به منافع و مصالح معرفی کرده است. خداوند پس از فرمان دادن به ابراهیم مبنی بر فراخوان عمومی حج علت این دعوت را چنین بیان کرد: «لیشهدوا منافع لهم و...» [40] تا شاهد سودهایی برای خود شوند. کلمه «منافع» عام و مطلق است. [41] و منافع دنیوی و اخروی را شامل است. [42] و شامل انواع منافع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... می‌شود. [43] امام صادق (ع) در پاسخ به پرسش هشام بن حکم درباره فلسفه حج به مصالح و منافع آن این گونه اشاره می‌کنند:

«و أمرهم بما یكون من أمر الطاعة فی الدین و مصلحتهم من أمر دنیاهم، فجعل فیہ الاجتماع من الشرق و الغرب لیتعارفوا و لینزع کل قوم من التجارات من بلد الی بلد، و لینتفع بذلك المکاری و الجمال و لتعرف آثار

رسول الله (ص) و تعرف أخباره و یذکره و لاینسی و لو کان کل قوم انما یتکلمون علی بلاءهم و ما فیها هلکوا و خویت البلاد و سقطت الجلب و الأرباح و عمیت الأخبار و لم تقفوا علی ذلك فذلك علیه الحج» [44] این فواید و نیز فواید معنوی در حدیثی از امام رضا (ع) نیز نقل شده است.

مطرح کردن معارف اسلامی، موضوعات اجتماعی و حتی سیاسی در حج، در سیره نبی اکرم (ص)، اهل بیت (ع) و صحابه و تابعین بسیار دیده می‌شود. پیامبر اکرم (ص) از موسم حج بیشترین استفاده را در تبلیغ دین اسلام کرد و پیمان‌هایی عقبه اول و دوم و تشکیل هسته اولیه انصار در موسم حج پیش آمد، در عمره القضا قدرت و سطوت سپاهیان اسلام را با فرمان کشف از بازوان اصحاب و رمل [45] در طواف نشان داد، در حجه الوداع خطبه‌ای که به منزله اولتیماتوم و سخن پایانی در نفی بازمانده‌های فرهنگی و عصیتهای جاهلی در افکار تازه مسلمانان و تکمیل حلال و حرام خدا به اضافه نصب علی بن ابی‌طالب به امارت مؤمنان و جانشینی خود در چند مایلی مکه، سخنرانی عزای سیدالشهداء امام ابی‌عبدا الحسین در جمع صحابه و تابعین در منی درباره افشای چهره نابکار یزید بن معاویه و درخواست قیام از آنان، قیام‌هایی دیگری که اگرچه از نظر شیعه باطلند اما برخی صحابه و تابعین از مسجدالحرام آغاز شد چون

با توجه با اطلاق منافع و دیدگاه‌های تفسیر مشهور و احادیث معتبر و سیره پیامبر(ص)، ائمه و صحابه و تابعان می‌توان گفت: طرح مسائل و مشکلات جهان اسلام، در موسم حج منع شرعی ندارد و بدعت به شمار نمی‌آید به این دلیل بر خلاف توهم وها بیان حاکم بر حرمین مدینه و مکه راهپیمایی و تجمع برائت از مشرکین شیعیان نه تنها بدعت نیست، بلکه سنت حسنه‌ای است که امید آن می‌رود که وحدت جهان اسلام را ضد کفر و استعمار ابرقدرت‌های شرق و غرب محقق سازد.

امام خمینی یکی از مصادیق «منافع حج» را منافع مستضعفان جهان معرفی کرده‌اند و می‌فرمایند: «مسلمانان در موافق و مراسم این عبادت که یکی از مقاصد بزرگ آن، اجتماع مسلمین از تمام بقاع زمین برای منافع مستضعفان جهان است و کدام نفع بالاتر از کوتاه کردن دست جهانخواران از ممالک اسلامی است» [46]

پیشینه فریاد برائت از کفر و شرک در موسم حج به زبان نزول وحی و آیه: «وَ اَذِّنْ لِلَّهِ رَسُوْلِهِ اِلٰى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الَّذِى كَبِّرَ اَنْ لِلَّهِ بَرِّيْءٌ مِّنْ اِلٰهِ الْمُشْرِكِيْنَ وَ رَسُوْلُهُ» [47] که امیرمؤمنان علی(علیه‌السلام) به فرمان رسول خدا(صلی‌الله‌علیه‌وآله) سوره توبه را در سال 9 هجری در روز عید قربان در حضور مؤمنان و مشرکان خواند و به موجب این فرمان هرگونه تعهد و تولی پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) و مسلمانان با مشرکان برچیده شد. [48]

در زمان حاضر که متأسفانه بسیاری از دولت‌های جوامع اسلامی تعهداتی را با ابرقدرت‌ها به ویژه آمریکا و انگلیس مبنی بر عدم دخالت در امور فلسطین یا پایبندی به نظام‌های لائیک و بیانی‌های کفرآمیز بین المللی دارند ملت‌ها باید با ابراز مخالفت با این تعهدات، حساب خود را از دولت‌های وابسته جدا کنند و با شرکت در راهپیمایی برائت از مشرکین به صورت یکپارچه بیزاری خود را از این تعهدات ابراز کنند. از دیدگاه امام خمینی این فریاد عام وحدت جهان اسلام است لذا همه ساله به آن توصیه می‌کردند: «مسلمانان حاضر در موافق کریمه، از هر ملت و مذهب که هستند باید به خوبی بدانند که دشمن اصلی اسلام و قرآن و پیامبر عظیم‌الشأن(صلی‌الله‌علیه‌وآله) ابرقدرت‌ها خصوصاً آمریکا و ولیده فاسدش اسرائیل است که چشم طمع به کشورهای اسلامی دوخته و برای چپاول مخازن عظیم زیرزمینی و روی زمینی این کشورها از هیچ جنایت و توطئه‌ای دست بردار نیستند و رمز موفقیت آنان در این توطئه شیطانی تفرقه انداختن بین مسلمانان، به هر شکل که بتوانند، می‌باشد». [49]

انتظار می‌رفت این فریاد چون موج کوبنده‌ای اسرائیل و ابرقدرت غرب را نابود سازد اما متأسفانه تفرقه افکنی دشمنان توسط عمال مزدور منطقه و ملاحی و هابی درباری که در واقع خائن الحرمینند، رو به خمودی گرایید، با ایجاد فاجعه جمعه سیاه مکه مکرمه در سال 1366، تبلیغ روزافزون عقاید ضاله وهابیت، تفرقه میان زائران و حاجیان ایرانی و سایر کشورها و ابراز حساسیت و ایجاد فشار مضاعف بر شیعیان به خصوص ایرانی و تکفیر شیعه، تقویت پلیس و هزاران ترفند تفرقه افکن، رو به خمودی گرایید.

امام خمینی در این‌باره فرموده‌اند: «درست در زمانی که جمهوری اسلامی برای حفظ سرزمین‌های اسلامی و حراست از حرمین شریفین مسلمانان را به وحدت اسلامی دعوت می‌نند «و یا للمسلمین» می‌گوید، از مرکز وحی برای خنثی نمودن این فریاد، پیشنهاد جهاد علیه این دعوت را کرده و به نفع آمریکا دشمن اسلام، اسرائیل که برای گرفتن از فرات تا نیل و سلطه بر حرمین شریفین کوشش می‌نماید، سینه چاک می‌زنند. [50]

با وجود نقشه‌های تفرقه افکنان و هابی‌ان و دولت‌مردان عربستان سعودی، اما خوشبختانه با گفتگوی دوستانه‌ای که با زائران بیت الحرام از هر ملیت و مذهبی، داشتم، همه به دو عامل ضعف مسلمانان اقرار می‌کردند که اولاً جهان غرب همچنان بر ما مسلمانان مسلط است و ثانیاً تفرقه میان ما مسلمانان و عدم وحدت کلمه را باعث این سلطه شده است. همه آرزوی نابودی اسرائیل را در دل داشتند. [51] امید است که این آگاهی مردم نقطه آغاز وحدت و استفاده از ظرفیت‌های کنگره عظیم حج گردد و ارتش چند صد میلیونی جهان اسلام از مکه حملات خود را بر جهان آغاز کند.

برخی مناسک حج نیز وحدت‌گرایی را تقویت می‌کند و چون وقوف در عرفات و مشعرالحرام فرصت یک شبانه روز الفت و همگرایی و به دور از هرگونه مشغله شخصی و دنیوی به حاجیان می‌دهد و همه با هم به مناجات و دعا و عبادت می‌پردازند و هر یک به زبانی امام همه با هم خدا را می‌خوانند و به فرموده امام حسین (علیه‌السلام) «وَاللَّيْلُ كَأَجْزَاتِ اللَّيْلِ وَاللَّيْلُ كَأَجْزَاتِ اللَّيْلِ» [52] و همه در طول شب نیز با یاد و انابه خدا حول محور وحدت مسلمین یعنی اعتقاد توحیدی می‌گردند و لبیک به فرمان قرآن می‌گویند: «وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَهُوَ الْغَنِيُّ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَاللَّهُ سَمِيْعٌ عَلِيمٌ وَاللَّهُ الْمُبْدِي وَاللَّهُ الْمُنْتَهَى وَاللَّهُ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَاللَّهُ الْمُبْدِي وَاللَّهُ الْمُنْتَهَى وَاللَّهُ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» [53] و پس از قربانی و اطعام همگان، ثروتمند و مستمند آرزوی ادامه زندگی را برای خود و دیگران را عملاً نشان می‌دهند و در پایان مناسک عشق به خدا را چند برابر و فراتر از هر تعلق دنیوی حتی اصل و تبار کرده و به دعای خیر دنیا و آخرت برای خود و دیگران، حج مقبول و سعی مشکور را برای خود رقم می‌زنند: «وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَهُوَ الْغَنِيُّ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَاللَّهُ سَمِيْعٌ عَلِيمٌ وَاللَّهُ الْمُبْدِي وَاللَّهُ الْمُنْتَهَى وَاللَّهُ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَاللَّهُ الْمُبْدِي وَاللَّهُ الْمُنْتَهَى وَاللَّهُ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»

وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ * وَمِنْهُمْ مَّنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ * أُولَٰئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا وََاللَّهُ سَرِيعٌ الْحَسَابِ» [54]

4- عمره مفرده و زیارات

الف) عمره مفرده از عبادات جمعی و به منزله حج کوچک است که بر خلاف حج، در طول سال قابل اتیان است. این عبادت در قرآن کریم توصیه شده است: «وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ» [55] فقهای فریقین بر مشروعیت و اهمیت آن اجماع دارند: شافعیه و حنابله و اکثر امامیه به استناد آیه فوق و احادیث آن را بر افراد مستطیع واجب و بر سایرین مستحب میدانند اما حنفیه و مالکیه فقط به استجابت مؤکد آن فتوا داده‌اند. [56]

عمره فرصت همیشگی را برای گردهمایی مسلمانان سراسر جهان فراهم میکند. عمره همان حکمت‌هایی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... حج را داراست. بحمدای جمهوری اسلامی ایران چند سالی تا حدودی موفق بوده است. اگر سایر کشورهای اسلامی این ابتکار را نیز اجرا کنند، امید آن می‌رود که از بحث و گفتگوهای دوستانه‌ای که میان اقشار تحصیل کرده کشورها در سفرهای عمره پیش می‌آید، ضرورت وحدت اسلامی روشن‌تر و تحقق آن سریع‌تر و استوارتر انجام گیرد.

ب) زیارات مرآقد پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) و اهل بیت(علیهم‌السلام)

زیارت قبور بزرگان صالح خدا مورد توجه قرآن کریم است، مانند مسجدی که بر غار اصحاب کهف بنا شد که این مسجد با توصیه مؤمنان آن زمان انجام گرفت: «قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَيَّ أَمْرَهُمْ لَسَنَنْتَهُمْ خَزَنَةً لَّغُلَبَائِهِمْ مَسْجُودًا» [57]

دلیل دیگر بر جواز زیارت قبور صالحین آیه‌ای است که پیامبر اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله) را از قبور منافقان نهی می‌کند: «وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكَافِرِينَ وَآلِهِمْ مَّوَدَّةٌ وَاللَّهُ مُبْدِي الْفِتْنَةِ وَهُوَ يُعْزِزُ مَن يَشَاءُ وَهُوَ يُعْزِزُ مَن يَشَاءُ وَهُوَ يُعْزِزُ مَن يَشَاءُ وَهُوَ يُعْزِزُ مَن يَشَاءُ» [58] این آیه در نکوهش متخلفان از جهاد نازل شده است و خداوند آنان را در ردیف کافران قرار داده و به دلیلی که در حال گناه نفاق بردند، بر پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) جایز نیست که بر جنازه‌شان نماز گذارد یا بر مزارش بایستد، مفهوم آیه این است که ایستادن بر مزار صالحان

پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) خدا به خصوص نبی مکرم اسلام(صلی‌الله‌علیه‌وآله) و اهل بیت ایشان است. که زیارت آنان در زمان حیات و ممات به موجب آیه مودت واجب است: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ ةَ عِلَٰلِيَّةٍ أَجْرًا إِلَّا لِأَلْمَوْدَّةِ فِي الْقُرْبَى» [59] یاداش رسالت حضرت ختمی مرتبت ابراز محبت عمیق قلبی به اهل بیت ایشان است و فایده این محبت در واقع به محبّ باز می‌گردد؛ زیرا با ایجاد ارتباط عاطفی زمین‌های تربیتی بسیاری چون الگوگیری، اطاعت و... فراهم می‌شود.

مودت مذکور در آیه، عام و مطلق است و اختصاص به بعضی از اهل بیت، دون بعض ندارد و همه زمان‌ها را شامل می‌شود چه در حیات و چه پس از ممات. به این دلیل و به استناد روایات نبوی بسیاری، مسلمانان همه ساله پیش یا پس از مناسک حج و عمره به زیارت مرقد نبی اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و پنج تن از اهل بیت ایشان: حضرت فاطمه(سلام‌الله‌علیها)، ائمه هدی حسن بن علی، علی بن الحسین، محمد باقر و جعفر صادق(علیهم‌السلام) و مراقد سایر صحابه و تابعین صالح در بقیع می‌روند. در طول سال شاهدیم که صف دراز مسلمانان اعم از شیعه و سنی پشت نرده‌های بقیع و زیارت از راه دور تحریم‌هایی وها بیت را ناشنیده می‌انگارند.

زیارت جمعی حاجیان یاد نبی مکرم اسلام(صلی‌الله‌علیه‌وآله) و اهل بیت(علیهم‌السلام) را که از عوامل مشترک وحدت اسلامی‌اند، زنده نگه می‌دارد.

ابراز مودت مسلمانان از صدر اسلام تاکنون به خاندان نبوت در حیات و ممات ایشان از امور مسلم بوده و تاریخ حقایق بسیاری را ثبت کرده است مانند محبت به پنج تن آل عبا [60] به عیادت زنان صحابه از حضرت فاطمه(سلام‌الله‌علیها) پس از حوادث سقیفه و عصیت فدک، اصرار مسلمانان برای شرکت در تشییع جنازه آن حضرت، شرکت همه مسلمانان حتی مخالفان سیاسی اهل بیت (علیهم‌السلام) در تشییع جنازه ائمه هدی: امام حسن(علیه‌السلام)، شرکت همه مردم مدینه و خالی شدن مسجد النبوی در تشییع جنازه امام علی بن الحسین(علیه‌السلام) و حتی در تشییع جنازه امام حسن عسکری(علیه‌السلام) علمای اهل سنت در قرن 4 در مدارس علمی بغداد همواره به زیارت مراقد امام کاظم و جواد(علیهم‌السلام) می‌رفتند و توسل می‌کردند. و در زمان ما شاهد تشرف بسیاری از زائران اهل سنت به حرم امام علی بن موسی الرضا(علیه‌السلام) در مشهد هستیم.

پس بر علمای شیعه و سنی است که با بالا بردن میزان معرفت مردم به اهل بیت(علیهم‌السلام) و تشویق آنان به زیارت مراقد آل معصومان عمل به آیه مودت را در همه جوامع اسلامی فراگیر سازند.

دعا ساده‌ترین و دائمی‌ترین و سریع‌ترین ارتباط انسان با خداست، مقدمات، شرایط و عبادات خاصی ندارد، حتی لازم نیست بر زبان آورده شود. نزدیک‌ترین حالت بنده به خداست: «وَ إِذَا سَأَلْتَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذْ دَعَانِ» [61] ارزش اعتقادی دعا همه سطح عبادات است و تارک آن مستحق خلود در جهنم است: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّي أَنَا الَّذِي أَجَبُ دَعْوَةَ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ دَعَانِ» [62] دعای بنده مهم‌ترین عامل توجه خدا و اقبال رحمت و هدایت اوست: «قُلْ مَا يَدْعُوا مِنْ دُونِي لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ» [63]

خداوند متعال همان‌طور که به دعا توصیه می‌کند، دعاها را چه ابتدایاً و چه با نقل دعای بندگان صالح و مرضی‌باش به مؤمنان می‌آموزد، از جمله دعاها قرآنی که وحدت را تقویت می‌کند دعای خیر مؤمنان برای هم‌کیشان گذشته و حال و آینده خود است. دعای خیر در واقع برخاسته از اخوت و مودتی است که مؤمنان با یکدیگر دارند و این برادری را فراتر از عصر خود توسعه می‌دهند، مؤمنان چنان‌که قرآن می‌فرماید: «إِنَّ زَمَّامَاتِ الْأُمَمِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْخَوَاتِمُ» [64] و به یکدیگر مهر می‌ورزند: «مَدَّ يَدَهُمْ إِلَى الدَّاعِ وَ الدَّاعِ إِلَى الدَّاعِ وَ الدَّاعِ إِلَى الدَّاعِ» [65] و این محبت آنان را وادار به هرگونه خیرخواهی اعم از ایثار: «وَ الدَّاعِ إِلَى تَبِيعِهِ وَ الدَّاعِ إِلَى الْإِيمَانِ مِنَ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَى اللَّهِ وَ لا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَ يُوَفُّونَ وَعْدَهُمْ وَ لا يُؤْتُونَ بِهِنَّ» [66] صلح و آشتی، دوری از کینه‌توزی: «وَ الدَّاعِ إِلَى جَاءِهِ وَ مِنَ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَ لَخَوَاتِمًا الدَّاعِينَ سَابِقُونَا بِالْإِيمَانِ وَ لا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ» [67] عفو و گذشت: «وَ الدَّاعِ إِلَى جَعَلَتْ قُلُوبَهُمْ كَقَبْطَرٍ فَاسْفَهَاءُ» [68] امر به معروفو نهی از منکر: «وَ الدَّاعِ إِلَى الدَّاعِ مِنَ الدَّاعِ بِعَضُضِهِمْ أَوْ لِيَاءِهِمْ بِعَضُضِهِمْ» [69] و... می‌کند.

دعا خالصانه‌ترین خیرخواهی است چرا که در خفا و از اعماق دل برمی‌خیزد و از خالق یکتا مسئلت می‌شود. دعای خیر جدای از موضوع آن همگرایی قلبی را که رکن دوم وحدت به شمار می‌آید، ایجاد می‌کند. از جمله دعاها مؤمنان برای برادران دینی خود موارد ذیل است:

1- طلب آمرزش و صفای دل؛ از رفتار نیک مهاجران در صدر اسلام دعای خیر برای انصار است: «وَالَّذِينَ جَاءُوا مِن بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ» [70]

خداوند پس از توصیف انصار به ایمان و مهرورزی و ایثار به مهاجران، گروهی مهاجر را به دعای خیر برای انصار توصیف می‌کند.

2- رهایی از دوزخ؛ از نشانه‌های پرهیزکاران طلب آمرزش و نجات از دوزخ برای خود و دیگران است: «الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنَا أَعْمَانَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ» [71]

3- درخواست رحمت؛ از نشانه‌های بندگان مؤمن خدا درخواست آمرزش و رحمت برای یکدیگر است. «إِنَّ زَنْجَنًا قَانَ فَرَيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا أَعْمَانَا فَاغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ» [72]

4- درخواست دفع شرکافران؛ «رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا» [73]

5- تمامیت نور؛ «يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَ اغْفِرْ لَنَا» [74]

6- درخواست شریعت سمحاء؛ از صفات مؤمنان درخواست قوانینی سهل و در حد توان و اغماض از فراموشی و اشتباهات است: «رَبَّنَا لَا تُوَاخِذْنَا بِأَسْئِنَا أَوْ أَخْطَاؤِنَا رَبَّنَا وَ لَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِمْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا رَبَّنَا وَ لَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ» [75]

7- درخواست پیروزی بر کافران؛ «أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» [76]

8- دافع انحراف و فساد عقیده؛ «رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَ هَبْ لَنَا مِن لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ» [77]

9- پاداش و نیکی دنیا و آخرت: «رَبِّدْنَا ءَاتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ

حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ» [78]

و صدها دعای خیر دیگر که مؤمنان برای خود و دیگران می‌خواهند. این دعا دل‌ها را به یکدیگر نزدیک و اعتقاد توحیدی را تقویت می‌کند.

دفع اتهام لعن مؤمنان از شیعه

لعن یا نفرین دعای شر و درخواست هرگونه بدی از خداست. لعن در مقابل رحمت قرار دارد. ملعون کسی است که از رحمت خدا بریده شده است. لعن در قرآن به خدا، فرشتگان، انسان‌ها اسناد داده شده است. و هر اسناد معنای مناسب خود را دارد. لعنت از خدا به معنای بدون یاور ماندن است این معنا در این آیه آمده است: «أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَ مَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فْلَاَن تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا» [79]

بعضی از علمای اهل سنت و غالباً وها بیت معتقدند که لعن شیعه به برخی از صحابه و تابعین بزرگترین عامل تفرقه میان مسلمانان است. [80] و معتقدند که صحابه همه عادلند حتی افرادی چون معاویه بن ابوسفیان و پدرش، و نظر به این‌که بسیاری از معلونان بر زبان شیعه، از نظر اهل سنت نیز مستحق لعنند و از طرفی قائل به عدالت همه صحابه‌اند. تلاش می‌کنند که به‌طور کلی لعن به مسلمان را اعم از ظالم و عادل، کاری مخالف قرآن و سنت نبوی جلوه دهند. [81]

در ردّ این شبهه باید گفت:

اولاً: خداوند در قرآن کریم به منافقان، ظالمان، کافران، دروغگویان، یهودیان، تهمت زنان، آزار رسانان به پیامبر و مؤمنان و... لعن فرستاده است.

ثانیاً: هیچ دلیلی بر عدالت همه صحابه نداریم، آنان به جز اهل بیت عصمت (علیهم‌السلام) مردمی عادی بودند که با شنیدن دعوت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) ایمان آوردند و عده کثیری از آنان پس از چند سال عناد و مقاومت در برابر سپاه اسلام مانند خلیفه دوم بلکه لشکرکشی در برابر اسلام کردند مانند

عمر و ابوسفیان و معاویه و حداقل تا پیش اسلام آوردن به علت ایذاء پیامبر و مؤمنان مورد لعن خداوند و فرشتگان و مؤمنان بودند. چنانکه بدرفتاری آنان در کتب تاریخی و اعلام آمده است. [82]

ثالثاً: لعن در میان صحابه بر ظالمان و منافقان لجوج از خود نیز لعن می‌فرستادند. برای مثال وقتی معاویه برادران عایشه همسر رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را به شهادت رساند، عایشه در مسجد بر او لعن می‌فرستاد. امیرمؤمنان علی به علت ظلم‌ها و کارشکنی‌ها و جنگ‌هایی که معاویه بن ابوسفیان به پا کرد، او را در قنوت نماز لعن می‌کرد.

رابعاً: بسیاری از عالمان اهل سنت در زمان حاضر هم تابعیان ظالم مانند یزید بن معاویه را لعن می‌کنند.

خامساً: شیعه کسی را جز ظالمان مورد لعن خدا و رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را لعن نمی‌کنند.

سادساً: جهر به لعن اگر باعث تفرقه مسلمین شود، در طول تاریخ مورد انکار علمای شیعه بوده و در حال حاضر مورد منع شدید مقام معظم رهبری حضرت آیه‌الله‌خامنه‌ای است. و ایشان صراحتاً لعن صحابه و صحابیات برجسته را تحریم کرده‌اند. بنابراین رفتار عوام، معیار قضاوت نیست.

در پایان به علت محدودیت زمان تنها اشاره‌ای گذرا به رفتارهای وحدت‌گرایانه در جوانب ارتباط با خود و جامعه می‌کنیم:

ب) رفتار با خود

بدیهی است که علت اصلی بسیاری از عداوت‌ها و اختلافات به فرموده قرآن کریم جهل و رذایل اخلاقی چون حسادت، بدگمانی، جاه‌طلبی، خیانت، بخل و... است که قرآن کریم تنها چاره را در تهذیب نفس و توبه و انابه به سوی خدا می‌داند: «وَنَفْسٍ وَ مِمَّا سَوَّاهَا * فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا * قَدْ أَفْلَحَ مَن زَكَّاهَا * وَ قَدْ خَابَ مَن دَسَّاهَا» [83] و نیز « وَ تَوْبُواْ إلی اللّٰهَ جَمِیعًا أَلِیُّهُ الرُّمُوزُ مَن لَّوْنَ لَعَلَّكُمْ ؕ تَفْلِحُونَ» [84]

ج) رفتار با جامعه

انسان موجودی اجتماعی است و از ابعاد مادی و روانی به هم پیوسته است. ادامه حیات و ادامه نسل بدون دیگران امکان پذیر نیست. جوامع نیز اینگونه اند؛ لذا برای بقای جوامع رفتارهای اجتماعی همگرا ضروری است و از دیدگاه قرآن کریم جامعه مسلمین هم به این نوع رفتارها نیازمند است و جامعه اسلامی را به رفتارهای زیر توصیه می‌کند:

تعاون: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» [85]

اخوت و برادری: «إِنَّ نَاسًا أَلْمَمُوا وَمِنْهُمْ مَن ذُو عُنُقٍ وَآخَرُومُؤْمِنُونَ» [86]

مودت: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بِبَيْنِهِمْ» [87]

صلح و آشتی: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا» [88]

عدالت: «وَأَقْسَطُوا أَلْفَافًا إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» [89]

رسیدگی به نیازمندان: «الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ» [90]

والحمد لله رب العالمین

نتیجه:

رفتارهای وحدت‌گرایانه در آموزه‌های قرآن کریم در سه جنب ارتباط با خدا، خود و جامعه توصیه شده است که با عمل به آنها جوامع مسلمین به وحدت حقیقی نائل می‌شوند.

پیشنهاد:

مسئولان فرهنگی و سیاسی جوامع اسلامی با توجه به قرآن، امکانات ایجاد وحدت را فراهم نمایند.

فهرست منابع

کریم قرآن ۷

1. ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، (cd مکتبه اهل البیت).
2. ابو نعیم اصفهانی، حلیه الاولیاء.
3. الإستیعاب.
4. الإصابه فی معرفه الصحابه.
5. بخاری، محمد، صحیح.
6. حر عاملی، وسایل الشیعه.
7. دار الهدی، اعتکاف برابر با نظرت آیة الله ناصر اصفهانی، قم، تشیع، ج 3، 1385.
8. داستانی بیرکی، علی، جهان اسلام از دیدگاه امام خمینی، تبیان 19، تهران، مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی، ج 4، 1391.
9. دفتر کنگره جهانی ائمه جمعه و جماعات، وحدت اسلامی، قم، الهادی، بی تا.
10. رازی، فخرالدین، مفاتیح الغیب.
11. رحمت و شفقت اهل بیت و صحابه.

12. عسکري، مرتضي، نقش عايشه در اسلام.

13. فتحي، شهاب الدين، تجزيه کشورهای اسلامي طرحي از برناردلوييس، پاىگاه خبري اسلام تودي، خبرگزاري فارس.

14. كليني، محمد بن يعقوب، اصول كافي، تصحيح علي اكبر غفاري، بيروت، دار صعب، ج 4، 1409ق.

15. مؤسسه پژوهشي فرهنگي انقلاب اسلامي، انسجام اسلامي در بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي (آيه‌ها و خاتمه‌ها)، تهران، ناشر مدرن، 1386.

16. مؤسسه نشر و تنظيم آثار امام خميني، وحدت از ديدگاه امام خميني.

17. مغنيه، محمد جواد، الفقه علي المذاهب الخمسه.

18. نجف آبادي منتظري، حسين علي، احكام و مناسك حج، قم، سايه، ج 4، 1428ق.

19. نجفي، محمد حسن، جواهر الكلام، تحقيق عباس قوچاني، علي اخوندي، بيروت، دار احياي التراث العربي، ج 7، 1404ق.

[1]. معجم الوجيز، ص662.

[2]. انبيا/492.

[3]. مومنون/452.

[4]. رك. مجمع البيان، ج7، ص62 و كبير، ج22، ص219.

[5]. ذاريات/56.

[6]. تبیان15، ص 104

[7]. آل عمران/43.

[8]. بقره/43.

[9]. علي طباطبائي، رياض المسائل، ج4، ص201 .

[10]. تبیان 15، ص 86.

[11]. حر عاملي، وسايل الشيعه، ج8، ص287.

[12]. همان.

[13]. همان.

[14]. همان.

[15]. همان/ ص301

[16]. همان.

[17]. جمعه/9 .

[18]. محمد جواد مغنيه، الفقه علي المذاهب الخمسه، ج1، ص120

[19]. همان، ص121.

[20]. تبیان 15، ص 104.

[21]. فتح، شهاب الدين، تجزيه كشورهاي اسلامي، طرحي از برنارد لوئيس، پا يگاه خبري اسلام تو دي.

[22]. بقره/185 .

[23]. حج/27 .

[24]. علي داستاني بيركي، انسجام اسلامي در بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي / ص 147.

[25]. حج/36 .

[26]. شيخ صدوق، من لا يحضر الفقيه، ج 2، ص 43.

[27]. مجمع البيان، ج7 و كبير، ج30، ذيل سوره قدر.

[28]. آل عمران/19.

[29]. فضل طبرسي، مجمع البيان، همان جا؛ فخرالدين رازي، تفسير كبير، همان جا .

[30]. شيخ عباس قمي، مفاتيح الجنان، باب اعمال شب قدر.

[31]. علي داستاني بيركي، انسجام اسلامي در بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي / ص148.

[32]. بقره/125.

[33]. محمد حسن نجفي، جواهر الكلام، ج17، ص 159 .

[34]. محمد جواد مغنيه، الفقه علي المذاهب الخمسه، ج1، ص756.

[35]. همان.

[36]. گفتگو با معتكفان.

[37]. دارالهدی، اعتکاف ابرار، ص30 .

[38]. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج 2، ص 18؛ محمد بخاری، صحیح، ج 1، ص 7.

[39]. آل عمران/97 .

[40]. حج/28 .

[41]. فخرالدین رازی، تفسیر کبیر، ج11، ص114 .

[42]. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج8، ص612.

[43]. حسین علی نجف آبادی، احکام و مناسک حج، ص17 .

[44]. حر عاملی، وسائل الشیعه، کتاب حج.

[45]. کوبیدن پا بر زمین همگام طواف به منظور نما می‌شود توان نظامی

[46]. تبیان، 15، ص 242.

[47]. توبه/3.

[48]. مجمع البیان، ج3، ص9.

[49]. تبیان، 15، ص 235.

[50]. تبیان، 19، ص 212.

[51]. سفر عمره نویسنده سال 1386.

[52]. مفاتيح الجنان، دعاي عرفه.

[53]. بقره / 198.

[54]. بقره / 200 و 201 و 202.

[55]. بقره / 196.

[56]. الفقه علي المذاهب الخمسه، ج 1، ص 201.

[57]. كهف / 21.

[58]. توبه / 84.

[59]. شوري / 23.

[60]. ر.ك: فضائل الخمسه، هر سه جلد.

[61]. بقره / 186.

[62]. غافر / 60.

[63]. فرقان / 77.

[64]. حجرات / 10.

[65]. فتح / 29.

[66]. حشر / 9.

- [67]. حشر / 10.
- [68]. شوري / 37.
- [69]. توبه / 71.
- [70]. حشر / 10.
- [71]. آل عمران / 16.
- [72]. مؤمنون / 109.
- [73]. ممتحنه / 5.
- [74]. تحريم / 8.
- [75]. بقره / 286.
- [76]. همان.
- [77]. آل عمران / 8.
- [78]. بقره / 201.
- [79]. نساء / 52.
- [80]. www.sunny.com.
- [81]. همان.

[82]. ر.ك: تاريخ ابن عساكر، الاستيعاب، حليه الاولياء الاصابه.

[83]. شمس/ 7 - 10.

[84]. نور / 31.

[85]. مائده / 2.

[86]. حجرات / 10.

[87]. فتح / 29.

[88]. حجرات / 9.

[89]. همان.

[90]. مائده / 55.